



سیاستمداری که در نهایت عملگرا شد

چهلمین روز تأیید صلاحیت علی لاریجانی



تخم مرغ ۵۰ درصد گران شد

سبقت

تورم کالاها از دواز

صفحه ۶

«اینترنت پرو» طبقات پایین جامعه را در تله فقر ابدی» می‌اندازد

اشرفیت دیجیتال» در

مقابل «رعایای دیجیتال»

صفحه ۶

ایستگاه

دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۵
۹ ذی‌القعده ۱۴۴۶
۲۷ آپریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۶۱۶۱
۸ صفحه
۴۰۰۰ تومان

آخرین تحولات مذاکراتی میان ایران و آمریکا بررسی شد

رمزگشایی از رفت و آمدهای عراقچی

وزیر خارجه ایران روز شنبه پس از پایان سفر خود به پاکستان، نسبت به تعهد واشنگتن به دیپلماسی ابراز تردید کرد، درست در شرایطی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ناگهان سفر برنامه‌ریزی‌شده فرستادگانش به اسلام‌آباد را لغو کرد و اعلام داشت که از اعزام مذاکره‌کنندگان به سراسر جهان دست کشیده‌است.

این دو اعلامیه که در فاصله چند ساعت از یکدیگر منتشر شدند، ابهامات پیرامون هرگونه راهی برای پایان دادن به جنگی که آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه علیه ایران آغاز کردند را عمیق‌تر کرد و هر دو طرف را به این پرسش واگذاشت که آیا طرف مقابل با حسن نیت مذاکره می‌کند یا خیر.

عراقچی پیش از حرکت به سمت مسقط، دیدارهای خود را در اسلام‌آباد با شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان؛ اسحاق دار، وزیر خارجه؛ و عاصم منیر، فرمانده ارتش که شخصیت محوری در تلاش‌های میانجی‌گری است، به پایان رساند. او بعداً در ایکس نوشت که سفرش به پاکستان «بسیار پر بار» بوده و موضع ایران را در مورد «چارچوبی عملی برای پایان دائمی جنگ» به اشتراک گذاشته‌است.

اما عراقچی به هیچ وجه خوش‌بین نبود. او نوشت: «هنوز باید دید که آیا آمریکا واقعاً در مورد دیپلماسی جدی است یا خیر.»

گفته می‌شود عراقچی حامل پاسخ ایران به پیشنهاد آمریکا بوده‌است. پیش از این نیز متن‌هایی میان ایران و آمریکا با میانجیگری پاکستان رد و بدل شده بود.

شرح در صفحه ۱



بیمه بیکاری حتی نصف هزینه زندگی کارگران را پوشش نمی‌دهد

اشتغال

تحت فشار جدی است

صفحه ۶

اخبار

لاوروف:

آمریکا سریع‌تر راهکاری برای وضعیت تنگه هرمز پیدا کند

«سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه امروز بر اهمیت حل‌وفصل وضعیت تنگه هرمز و ازرگیری تسهیل روند صلح اوکراین از سوی آمریکا تأکید کرد. به گزارش ایسنا، «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه امروز تأکید کرد که حل‌وفصل بحران تنگه هرمز توسط آمریکا در اسرع وقت و سپس رسیدگی به بحران اوکراین حائز اهمیت است.

خبرگزاری ریانووستی به نقل از لاوروف گفت: «آنچه برای آمریکا مهم است این است که هرچه سریع‌تر راه حلی برای بحران تنگه هرمز پیدا کند و سپس به سرعت برای بحران اوکراین هم چاره‌ای بیابد.»

تأکید لاوروف بر اهمیت وضعیت عادی تردد از آبراه بین‌المللی تنگه هرمز در پی این انجام شده‌است که ایران پس از آغاز جنگ غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی از ۹ اسفند ۱۴۰۴، اعلام کرد که تردد از تنگه هرمز برای کشتی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی و متحدان آن‌ها ممنوع و برای کشتی‌های تجاری دیگر کشورها مشروط به هماهنگی کامل با مقامات ایران خواهد بود. بسته شدن تنگه هرمز شوک بی‌سابقه‌ای به بازارهای جهانی انرژی و مالی وارد کرده و موجب افزایش قیمت سوخت در بسیاری ازکشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی شده‌است. ایران پس از برقراری آتش‌بس دو هفته‌ای با آمریکا با بازگشایی مشروط تنگه هرمز موافقت کرد اما پس از اقدام غیرقانونی دولت آمریکا در نقض آتش بس در رابطه با لبنان و درخواست‌های زیاده خواهانه که متعاقباً دور اول مذاکرات در ۲۳ فروردین در اسلام‌آباد بی‌نتیجه ماند، اقدام به محاصره دریایی ایران کرد و در واکنش ایران نیز وضعیت تنگه هرمز را به دلیل بدعهدی طرف مقابل به حالت قبل بازگرداند.

شایان ذکر است، مقامات ایران ضمن اعمال قانون بر کشتی‌هایی که قصد عبور غیرمجاز از این آب‌راه را دارند، ابتکار دریافت عوارض برای کشتی‌های تجاری را مطرح کرده‌اند که طبق اعلام رسمی ایران، یک مرحله از اخذ عوارض روز پنجشنبه به خزانه کشور واریز شد.

پایان بد سیاست‌های کی‌یف

به نوشته ریانووستی، وزیر امور خارجه روسیه در ادامه اظهارات امروز خود افزود که نازیسم که به گفته او تحت رژیم‌ی آشکارا حامی نازیسم است، فرهنگ لذت می‌برد. به گفته او، «زلنسکی آشکارا اعلام می‌کند که "ما از همه در اروپا دفاع می‌کنیم، ما قدرت، تجربه و بزرگترین ارتش اروپا را داریم"، اما فکر نمی‌کند این پایانی خوش داشته باشد.» لاوروف در ادامه به اصرار زلنسکی برای عضویت فوری اوکراین در اتحادیه اروپا تأکید کرد-کشوری که به گفته او تحت رژیم‌ی آشکارا حامی نازیسم است، فرهنگ روسی را کاملاً ممنوع کرده و کلیسای ارتدکس قانونی را سرکوب می‌کند. درخواست اوکراین روز گذشته در سفری به میانجیگری این فرایند تجاری آمریکا در حالی مطرح شده‌است که مذاکرات صلح اوکراین که اواخر فوریه ۲۰۲۶ نمایندگان آمریکا برگزار شد، بی‌نتیجه ماند.

رئیس‌جمهور اوکراین روز گذشته در سفری به جمهوری آذربایجان اعلام کرد که در صورت آمادگی روسیه برای دیپلماسی آماده برگزاری مذاکرات صلح در آینده نزدیک در آذربایجان است. زلنسکی گفته‌است که «برای اوکراین بسیار مهم است که روسیه توان پایان دادن به این جنگ ناعادلانه را پیدا کند.»

او با بیان این‌که «اما برای نقش شرکای خود در میانجیگری این فرایند ارزش زیادی قائل هستیم»، افزود که تلاش‌ها برای صلح با رئیس‌جمهور آذربایجان مورد بحث قرار گرفته‌است. این در حالی است که «دیمیتری پسکوف» سخنگوی کرملین اخیرا با گفتن این که «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه در صورتی که دیداری هدفمند و ثمربخش برای نهایی کردن توافقات حاصل‌شده با زلنسکی امکان‌پذیر باشد، آماده این دیدار خواهد بود، بیان کرد که مسکو اراده سیاسی لازم از سوی کی‌یف برای حل‌وفصل بحران اوکراین را مشاهده نمی‌کند.

او تأکید کرد، دستیابی به اهداف اولیه («عملیات نظامی ویژه» و تامین منافع روسیه از اولویت‌های اصلی است و افزود تحقق این اهداف به محافظت از روسیه در برابر تهدید حملات («تورویستی» از سوی کی‌یف کمک خواهد کرد.

سخنگوی کرملین همچنین تأکید کرد که دیدار با مذاکره‌کنندگان آمریکایی درباره حل‌وفصل بحران اوکراین می‌تواند در هر زمانی به زودی انجام شود و روسیه از استقبالی می‌کند.

نفت ایران، پول چین، سکوت خلیج فارس

معادله‌ای که می‌تواند جنگ را متوقف کند



این رویکرد محتاطانه گاه با انتقادهایی مواجه شده است می‌گویند چین بیش از آنکه میانجی فعال باشد، به دنبال

مدیریت پیامدهای بحران به نفع منافع خود است.

با وجود این محدودیت‌ها، ظرفیت چین برای ایفای نقش در پایان این جنگ نباید دست‌کم گرفته شود. پکن یک برتری کلیدی دارد که سایر قدرت‌های جهانی ندارند: روابط همزمان و مؤثر با همه طرف‌های مناقشه تهران، ریاض، واشنگتن و سایر کشورها. این «پلتفرم چندجانبه ارتباط»، اگر با اراده سیاسی قوی همراه شود، می‌تواند در آینده به «پروژه‌ای برای صلح» تبدیل شود که هم امنیت انرژی را تضمین می‌کند، هم مناقشه‌های نظامی را کاهش می‌دهد و هم نقش چین را به‌عنوان یک میانجی معتبر در نظم جهانی نوظهور تثبیت نماید.

در نهایت، پاسخ به این پرسش که آیا چین می‌تواند ضامن معتبر پایان خصومت میان ایران و آمریکا شود، در درجه اول به آن بستگی دارد که پکن تا چه اندازه برای تحقق چنین نقشی اراده سیاسی، منابع دیپلماتیک و ظرفیت خود را به کار گیرد و حاضر باشد منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود را در راستای ثبات گسترده‌تر به کار گیرد. اگر چین به این «سیاست فعالانه مسئول» پایبند باشد، می‌تواند جایگاه خود را نه فقط به‌عنوان شریک اقتصادی ایران، بلکه به‌عنوان بازیگری کلیدی برای حفظ صلح و ثبات در منطقه تثبیت کند.

این وضعیت تصادفی نیست. چین در دو دهه گذشته به‌تدریج شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل اقتصادی، انرژی و زیرساختی در غرب آسیا ایجاد کرده که هرگونه بی‌ثباتی گسترده در این منطقه، مستقیماً امنیت ملی و رشد اقتصادی آن را تهدید می‌کند. از این رو، جنگ میان ایران و آمریکا برای پکن یک بحران دوردست نیست، بلکه یک تهدید مستقیم برای منافع راهبردی‌اش است. همین واقعیت، نقش چین را از یک «تماشاگر محتاط» به یک «بازیگر بالقوه تعیین‌کننده» ارتقا داده‌است.

ایران در نقشه راهبردی چین؛ از انرژی تا ژئوپلیتیک
روابط میان چین و ایران دیگر صرفاً در قالب تجارت نفت تعریف نمی‌شود. هرچند چین همچنان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است و حتی در دوره‌های شدیدترین تحریم‌ها نیز این جریان متوقف نشد، اما اهمیت ایران برای پکن فراتر از انرژی است. ایران در طرح کلان «کمربند و راه» چین، یک گره ژئوپلیتیکی حیاتی محسوب می‌شود؛ پلی میان شرق آسیا،

ماجرای تیراندازی در مراسمی با حضور ترامپ

بررسی شد

پشت‌پرده حمله به ضیافت

خبرنگاران در کاخ سفید

صفحه ۵



سرمقاله

سجاد عابدی



از اقتدار نظامی تا پیوند مدنی

در رهیافت‌های سنتی، امنیت به معنای حفاظت از مرزها در برابر تهاجم خارجی بود؛ اما در پارادایم‌های نوین، «امنیت» زیربنای «انسجام اجتماعی» (Social Cohesion) شناخته می‌شود. انسجام اجتماعی به معنای پیوند میان گروه‌های مختلف جامعه و اعتماد متقابل میان دولت و ملت است. بدون وجود یک بستر امنیتی هوشمند، این پیوندها به سرعت دچار گسست می‌شوند. انسجام اجتماعی بر پایه «اعتماد» استوار است. امنیت راهبردی با ایجاد ثبات در پیش‌بینی‌پذیری آینده، به شهروندان اجازه می‌دهد تا روابط پایدار اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برقرار کنند. وقتی امنیت (در ابعاد فراتر از آن شامل امنیت قضایی، اقتصادی و زیستی) تأمین شود، «سرمایه اجتماعی» رشد می‌کند. در مقابل، فقدان امنیت باعث مهاجرت نخبگان، خروج سرمایه و فروپاشی اعتماد عمومی می‌شود که نتیجه آن، امتیزه شدن جامعه و از دست رفتن وحدت ملی است. نکته راهبردی این است که «احساس امنیت» گاهی از خود «امنیت» مهم‌تر است. اگر جامعه دچار «ناامنی ادراکی» شود، گروه‌های اجتماعی به سمت قطبی‌شدن و جستجوی امنیت در هویت‌های خرد (قومی، مذهبی یا جناحی) می‌روند. امنیت راهبردی وظیفه دارد با ایجاد چتر حفاظتی یکسان برای همه طبقات، مانع از شکل‌گیری «خرده‌روایت‌های تهدیدمحور» شود. انسجام اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که تک‌تک اعضای جامعه، ساختار امنیتی را نه یک نهاد قهرآمیز، بلکه «تضمین‌کننده حقوق عمومی» بدانند. در دنیای امروز، تهدیدات از جنگ سخت به سمت «جنگ‌های ترکیبی» (Hybrid Warfare) تغییر جهت داده‌اند. هدف اصلی در این جنگ‌ها، نه اشغال سرزمین، بلکه تخریب انسجام اجتماعی از طریق عملیات روانی و شکاف‌های اطلاعاتی است.

ادامه در صفحه ۶

آسیای مرکزی، خاورمیانه و اروپا. مسیرهای زمینی و دریایی این ابتکار بدون ثبات در ایران، با اختلال جدی مواجه می‌شود. توافق جامع ۲۵ ساله همکاری‌های ایران و چین نیز دقیقاً در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند. این سند، ایران را به یکی از حلقه‌های اصلی شبکه راهبردی چین در غرب آسیا تبدیل کرده است. بنابراین هرگونه جنگ فرسایشی که زیرساخت‌های ایران را تهدید کند یا این کشور را وارد بی‌ثباتی طولانی‌مدت نماید، عملاً سرمایه‌گذاری ژئوپلیتیکی چین را به خطر می‌اندازد.

از نگاه پکن، پایان این جنگ نه یک انتخاب دیپلماتیک، بلکه یک ضرورت راهبردی است.

شبکه متوازن چین در جنوب خلیج فارس

روابط چین با کشورهای جنوب خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، و دیگر اعضای Gulf Cooperation Council، نمونه‌ای از تلاش پکن برای ایجاد شبکه‌ای گسترده از منافع اقتصادی و سیاسی در منطقه است که به‌مرور زمان به یک نیروی تأثیرگذار تحولی بدل شده است. در سال‌های اخیر، تمامی این کشورها هنوز روابط امنیتی تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که چین در سطح کلان، رویکرد «عدم مداخله مستقیم» را در سیاست خارجی اتخاذ کرده و با جذب کشورها از طریق منافع مشترک اقتصادی، وابستگی شدید به واشنگتن در منطقه داشتند. اکنون در کنار روابط با آمریکا، به پکن نیز نگاه می‌کنند به عنوان گزینه‌ای برای تنوع‌دهی به شرکای امنیتی و اقتصادی‌شان. این امر در روابط چین با سعودی‌ها، امارات و قطر به‌وضوح قابل مشاهده است، جایی که همکاری‌ها در تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های فناورانه تقویت شده و نشان‌دهنده نفوذ اقتصادی رو به رشد پکن است.

در همین چارچوب، روابط چین با جمهوری اسلامی ایران نیز بخشی از شبکه گسترده‌تری است که پکن به‌ویژه در کشورهای صادرکننده نفت حفظ کرده است؛ شبکه‌ای که تضمین‌کننده امنیت انرژی و منافع تجاری‌اش است. اگرچه چین در برابر فشارهای آمریکا و تحریم‌های غرب در دوره‌های مختلف موضع محتاطانه‌ای اتخاذ کرده، تلاش کرده‌است روابط اقتصادی‌اش با ایران را حفظ کند، به‌گونه‌ای که تهران همچنان یکی از شرکای مهم انرژی پکن باقی بماند.

در عین حال، چین روابط عمیق و رو به گسترش با کشورهای جنوب خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر برقرار کرده است. این کشورها نیز تأمین‌کنندگان اصلی انرژی چین و میزان پروژه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری چینی هستند. سیاست چین در منطقه مبتنی بر «توازن فعال» است؛ یعنی همزمان با همه بازیگران رابطه‌ای نزدیک حفظ می‌کند بدون آنکه وارد اتحادهای امنیتی شود.

همین سیاست باعث شد چین پیش‌تر بتواند میان تهران و ریاض نقش آفرینی کند و زمینه احیای روابط دیپلماتیک دو کشور را فراهم سازد. آن تجربه نشان داد که پکن قادر است در پیچیده‌ترین پرونده‌های خاورمیانه، به میانجی قابل قبول برای طرف‌های متخاصم تبدیل شود.

اکنون همان ظرفیت، در سطحی بسیار بزرگ‌تر، می‌تواند میان ایران و آمریکا به کار گرفته شود.